خبر امروز

■ **به‌رهمندی از ظرفیت کتابخانه رضوی برای ترویج فرهنگ کارآفرینی**

رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در افتتاحیه هفتمین کنگره متخصصان علوم اطلاعات، بر بهره‌مندی از ظرفیت کتابخانه رضوی برای ترویج فرهنگ کارآفرینی تأکید کرد. به گزارش آستان نیوز، حجت‌الاسلام سیدجلال حسینی در این مراسم که با محوریت «کارآفرینی، اشتغال و کسب‌وکارهای حرفه‌ای دانش‌بنیان» در کتابخانه و اسناد ملی تهران برگزار شد، تصریح کرد: کتابخانه آستان قدس رضوی با توجه به جایگاه معنوی آن و همجواری با حرم مطهر رضوی، فرصتی برای همگان ایجاد کرده تا از طریق وقف، ایده، فکر و منابع مالی در توسعه آن مشارکت داشته باشند. حسینی ترویج فرهنگ کار و کارآفرینی را از جمله موضوعاتی عنوان کرد که تأمین محتوای مطالعاتی آن در دستور کار کتابخانه رضوی قرار دارد تا در پایه‌گذاری علمی حرکت‌های اقتصادی نقش مؤثری ایفا کند.

■ **بازدید استاد غلامحسین امیرخانی از مرکز نسخ خطی کتابخانه رضوی**

استاد غلامحسین امیرخانی پدر هنر خوشنویسی معاصر ایران و رئیس شورای عالی انجمن خوشنویسان با اعضای جمعی از استادان بنام هنر خوشنویسی کشور از مرکز نسخ خطی کتابخانه مرکزی رضوی بازدید کرد. به گزارش آستان نیوز، استاد امیرخانی در حاشیه این بازدید گفت: تنوع هنرمندان ایران در همه دوره‌ها و در تمامی عرصه‌های فرهنگی که هنر هندسه فرهنگ و هنر نمادین پیدا کرده از جمله در خوشنویسی و ترکیب آن با تمام هنرهای مرتبط و... ظهور پیدا کرده است. استاد امیرخانی اظهار کرد: سرمایه‌های بی‌نظیر فرهنگ و هنر تمدن ایران به همچون گنجی، جایگاه یگانه و برجسته‌ای را در کنار فرهنگ و هنر سایر تمدن‌ها به کشور ما اختصاص داده و این امر برای ما به عنوان نسل معاصر و خلف آن بزرگان و نوابغ ایجاد مسئولیت و وظیفه کرده است که در همان عیار و مقدار، زمینه‌های رشد و دوام و بقای آن مقام را فراهم کنیم.

■ **پرونده ثبت جهانی «زیارت رضوی» امسال به یونسکو می‌رود**

معاون موزه‌ها و توسیع میراث فرهنگی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی از ارسال پرونده ثبت جهانی «زیارت رضوی» به یونسکو در سال جاری خبر داد. مهدی قیصری تبیک گفت: این سازمان در نخستین گام در مسیر معرفی و ثبت میراث ملموس و ناملموس آستان قدس رضوی در فهرست آثار ملی و معنوی ایران، موفق به ثبت «زیارت رضوی» در فهرست میراث فرهنگی معنوی ملی کشور در دی ماه ۱۳۹۸ شد. وی افزود: یکی از ملاک‌ها و شروط موضوع زیارت رضوی در فهرست میراث معنوی ملی ایران، مسیری تازه برای معرفی میراث ناملموس مجموعه حرم مطهر رضوی به جهانیان گشوده شده است.

معاون موزه‌ها و توسیع میراث فرهنگی آستان قدس رضوی ادامه داد: به این ترتیب تکمیل و ارسال پرونده ثبت زیارت رضوی برای دفاع در سال جاری به سازمان جهانی یونسکو برای ثبت در فهرست میراث ناملموس جهانی پیگیری می‌شود که می‌تواند آغازگر مسیری نو در این حوزه باشد.

■ **به دنبال پر کردن خلأهای علمی در حوزه علمیه هستیم**

جمعی از دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع) از مدرسه عالی فقاهت عالم آل محمد(ع) بازدید کردند و از نزدیک با فعالیت‌های این مدرسه آشنا شدند. در این بازدید که با حضور ۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه معارف اسلامی امام صادق(ع) برگزار شد، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدحسن وحدتی شبیری به بیان فعالیت‌ها و کارکردهای مدرسه عالی فقاهت پرداخت. وی گفت: ما به دنبال پر کردن خلأهای علمی در حوزه علمیه هستیم، رویکرد این مدرسه مسئله‌محور در حوزه‌های فقه اجتماعی است، خواسته رهبر معظم انقلاب از حوزه‌های علمیه در سال‌های اخیر بر بودوری مسئله‌های روز جامعه و گره‌های نظام جمهوری سرمایه‌گذاری کنند. حجت‌الاسلام والمسلمین وحدتی شبیری افزود: اگر شعار مدرسه ما فقه تخصصی است به این معنا نیست که با اجتهاد عام و فقه عمومی ناآشنا باشیم بلکه باید ملکه اجتهاد عام در اذهان طلاب تثبیت شود. مدرسه عالی فقاهت یک مرکز علمی با رویکرد فقه تخصصی برای نخبگان حوزه علمیه است.

زیر سایه خورشید

برافراشته‌شدن بزرگ‌ترین پرچم رضوی در نگین سبز تهران

همزمان با آغاز هفته کرامت، بزرگ‌ترین پرچم سبز رضوی در نگین سبز تهران و منطقه ۱۵ با ابعاد ۲۲ در ۴۴ متر مربع

به گزارش آستان نیوز، در مراسمی با حضور جمعی از خادمیان کانون خدمت‌رضوی و همراهی دختران قهرمان دو جز خسکواری و هنرهای رزمی، بزرگ‌ترین پرچم سبز رضوی به مساحت تقریبی هزار و ۲۰۰ متر مربع و ۳۰۰ کیلوگرم وزن به ابعاد ۲۲ در ۴۴ متر مربع

در منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد برافراشته شد. همزمان با آغاز هفته کرامت، همچنین پرچم‌های مزین به نام متبرک امام رضا(ع) در هشت نقطه منطقه ۱۵ به اهتزاز در آمد. این پرچم‌ها در هشت نقطه منطقه ۱۵ شامل میدان بسیج جنب مجسمه اسب سوار بسیجی، بزرگراه آزادگان پل شهید بروجردی، بزرگراه امام علی(ع)، تقاطع خیابان شهید رضایی، بزرگراه بسیج و رودی ۲۰ متری افسریه، بزرگراه امام رضا(ع) و رودی خاور شهر جنب مصلی به اهتزاز در آمد.

خادمانه

اکران قاب مفاخر شهری مزین به تصاویر خادمان شاخص

همزمان با هفته کرامت، قاب‌های مفاخر شهری مشهد مقدس مزین به تصاویر خادمان شاخص مرحوم آستان قدس رضوی می‌شود.

به گزارش آستان نیوز، اکران قاب مفاخر مزین به تصاویر خادمان رضوی و همراهی دختران قهرمان رسانه آستان قدس رضوی و با همکاری شهرداری مشهد و به منظور گرامیداشت یاد و خاطره خادمان بارگاه منور رضوی و ترویج الگوی خدمت انجام می‌شود. در این قاب‌ها تصاویر ۱۲ خادم، ۱۲ افراش، ۲۰ دربان، ۶ کفشدار و چهار حافظ به نمایش درمی‌آید که بسیاری از آن‌ها از خیران و چهره‌های ملی هستند. شخص مدعیکژاد پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند. در این قاب‌ها علاوه بر تصاویر آن‌ها، ویژگی‌های شاخص خدمتی آن‌ها نیز به نمایش درمی‌آید. همچنین ۱۰ طرح برگرفته از هویت بصری واحد به منظور نصب در بیلبوردها، پل‌ها، دیوانگاره‌ها، تابوهای تبلیغاتی و... در سراسر کشور و شهر مشهد طراحی و در اختیار شهرداری‌ها قرار گرفته است.

یادداشت

درسی از زندگی امام رضا(ع)

کمال‌گرایی در سیره رضوی

حجت الاسلام و المسلمین علی رضایی تهرانی | در مورد زندگی و شخصیت ولی‌نعمتان آقا علی بن موسی‌الرضا(ع) این نکته قابل توجه است که حضرت در دوره امامتشان با چند چالش جدی روبه‌رو بودند و اگر این چالش‌ها را با نور امامت و عقلانیت خدادادی حل نمی‌کردند امروزه در مکتب تشیع ثابت‌قدم نبودیم. نخستین چالش، خطری بود که حضرت را از ناحیه هارون و خلیفه وقت که دستش به خون پدر ارتش موسی بن جعفر(ع) گلگون بود، تهدید می‌کرد. امام رضا(ع) این تهدید را تبدیل به فرصت کرد و به هارون گفته می‌شد صاحب خود فرمود اگر یک موی سر من به دست هارون جلاد کج شد، بدانید من امام نیستم. در دوران ۱۰ سال آغازین امامت امام رضا(ع) در دوره هارون، هیچ تعرضی از طرف هارون به حضرت صورت نگرفت و این خود دلیل امامت امام رضا(ع) در مقابل مخالفان شد. نکته هم این بود که هر چه به هارون گفته می‌شد علی بن موسی الرضا به عنوان امام شیعه مشغول فعالیت اصلاحی خودش بود. همچنین از چالش‌های بزرگ دوره امامت امام رضا(ع) غیبت کرده و بازمی‌گردد و امامی زیر ۷ نوبست. سرّ مطلب این بود که در دست آن‌ها اموال فراوانی بود و چون حضرت در زندان شهید شده بود، نتوانسته بودند این اموال را بازپس بگیرند و آن‌ها از این سوء استفاده و برای تصرف و خوردن اموال، امامت علی بن موسی الرضا(ع) را انکار کردند.

حضرت(ع) با معجزات و کرامات علمی و عملی -که یکی همان بود که فرمودند هارون نمی‌تواند یک تار مو از سر من کم کند- دل شیعیان را به امامت حضرت قوی کردند، به گونه‌ای که تعداد زیادی از واقفی‌ها برگشتند و این عقلانیت امام رضا(ع) بود که با صبوری و تحمل توانستند فتنه وقفی را که از پیچیده‌ترین فتنه‌های دوران امامت ائمه(ع) بود، خنثی کنند.

چالش سوم، مسئله دست دوم تولد امام جواد(ع) بود. امام رضا(ع) مدت‌ها فرزندی نداشت و به نظر مرحوم شیخ مفید و دیگران، امام رضا(ع) تک‌فرزند هستند و خداوند این فرزند را در دوران کهولت سن به ایشان هدیه کرده است. از این رو از طرف دوست و دشمن شایعه شد امام رضا(ع) امام نیست، چون فرزند ذکوری از او

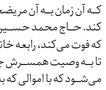

لیلا لاریکه | ماجرا به سال ۱۲۹۷ خورشیدی برمی‌گردد، به بیش از ۱۰۰ سال پیش؛ به ایامی که آبادی مشهد به این اندازه نبود؛ به زن و مردی که تصمیم گرفتند اموال خود را در راه گره‌گشایی از مشکلات مردم وقف کنند. حاج محمد حسین میرزای منتصرالملک که فرزندی ندارد، اموال خود را به همسرش رباب خانم معروف به احترام السلطنه قهرمان می‌بخشد تا او در راه خیر به خصوص ساخت مرکزی درمانی که آن زمان به آن مریضخانه می‌گفتند، هزینه کند. حاج محمد حسین میرزای منتصرالملک تا به قوت می‌کند، رابعه خانم دست به کار می‌شود تا به وصیت همسرش جامه عمل بپوشاند. این خریده و بنایی برپا می‌کند که منفعت آن الیمانی باشد بر تن رنجور بیمارانی که از راه دور و نزدیک به مشهد الرضا(ع) می‌آیند.

منتصرالملک که متولد سال ۱۲۳۰ خورشیدی بود املاک و مستغلات وسیعی در کاشمر، مه‌ولات و تربت حیدریه داشته است. او برای مدتی کفالت ایالات خراسان را در سال ۱۳۲۶ برعهده داشته و خادم حرم‌مطهر در کشیک دوم و اولین رئیس بلدیه (شهرداری) و نخستین رئیس انجمن بلدی مشهد بوده است. منتصرالملک در سال ۱۲۸۹ خورشیدی مصادف با ۱۳۳۱ قمری فوت می‌کند و در حرم مطهر رضوی پایین پای حضرت به خاک سپرده می‌شود. پس از فوت او، همسرش رابعه خانم که تمام اموال همسرش را از آن به نام او شده بود در سال ۱۲۹۷ خورشیدی دست به کار ساخت مریضخانه می‌شود. بیمارستان موقوفه‌ای که از بزرگ‌ترین موقوفات درمانی کشور با حدود ۴۰۰ هزار و ۴۰۰ مترمربع در حاشیه خیابان دروازه جنت مشهد است.

■ **از زبان ویژه روزگار بود**

برای اطلاع بیشتر از واقفی که بیش از ۱۰۰ سال پیش وقفی جاودانه کرده به گفت‌وگو با ناظر این موقوفات که از اقوام رابعه خانم احترام‌السلطنه است می‌نشینیم. رضا قلی قهرمان فرزند محمدحسن و برادرزاده رابعه قهرمان، ملقب به احترام‌السلطنه به عنوان ناظر این وقف و دیگر موقوفات خاندان قهرمان درباره واقف و وقفی که انجام شده، می‌گوید: «رابعه خانم نبود؛ به زن و مردی که تصمیم گرفتند اموال خود را در راه گره‌گشایی از مشکلات مردم وقف کنند. حاج محمد حسین میرزای منتصرالملک که فرزندی ندارد، اموال خود را به همسرش رابعه خانم معروف به احترام السلطنه قهرمان می‌بخشد تا او در راه خیر به خصوص ساخت مرکزی درمانی که آن زمان به آن مریضخانه می‌گفتند، هزینه کند. حاج محمد حسین میرزای منتصرالملک که حاج‌محمدحسن میرزا نصف‌الملک در زمان حیات خود نیز وقف‌هایی انجام داده و کاروانسرای تازه‌ساختی را در کنار خیابان طبرسی شمالی در آستان حرم مطهر رضوی وقف و مقرر کرد عواید آن موقوفه، صرف روضه‌خوانی در مسجد گوهرشاد، حقوق طلاب مدرسه عباسقلی‌خان، زائران فقیر، حقوق حفاظ مقبره واقف و پدرش، جعفرقلی میرزا و همچنین روشنایی و تعمیرات جزئی مسجد واقف در محلهٔ معروف به پاچنار شود. برای مریضخانه هم چند پارچه املاک خود را در مشهد و سفر عتبات زیاد می‌رفت و به امور دینی توجه ویژه‌ای داشت. منزل آن‌ها روبه‌روی چهارطریقه در خیابان ارگ بود و چون فرزندی نداشت هروقت مشغول می‌رفتیم توجه ویژه‌ای به ما داشت و با همه فامیل و نزدیکان در رابطه بود و ارتباط داشت. آنچه ما به یاد داریم شخصیت ویژه او است».

■ **به یاد و نام همسرش منتصرالملک**

منتصرالملک برای تأمین هزینه‌های بیمارستان نیز وصیت کرده بود قسمتی دیگر از املاک برای اداره و تأمین هزینه‌های بیمارستان وقف شود. رضا قلی قهرمان درباره چگونگی ساخت بیمارستان به ما می‌گوید: «رابعه خانم در سال ۱۲۹۷ خورشیدی با اجازه دکتر امیراعلم، رئیس صحیه وقت، بیمارستان منتصریه را به یاد و نام همسرش منتصرالملک در محل فعلی خیابان جنت، افتتاح کرد. البته در ابتدا قرار بر این بوده بیمارستان در قسمت جنوبی شهر ساخته شود که ظاهراً مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و محل فعلی خریداری می‌شود. بیمارستان در سال‌های اولیه بیمارستان عمومی بود. یک محوطه ساده که وسط آن ساختمان بیمارستان بود و در اطراف آن اتاق‌های اداری قرار داشت. پس از ساخت بنای بیمارستان، احترام السلطنه اداره امور آن را به برادرش اسدالله میرزا قهرمان واگذار کرد. اما در دی‌ماه ۱۳۲۷ خورشیدی که احترام‌السلطنه با دختر محمدمیرزای قهرمان، نوه قهرمان میرزا و نتیجه حسن‌علی میرزا (شجاع‌السلطنه) که جد اعلای آن‌ها فتحعلی‌شاه قاجار بود و نسبتی با فروغ‌السلطنه دختر قهرمان میرزا که نخستین مدارس دخترانه را در مشهد راه‌اندازخته بود، داشت، او فرزندی نداشت و همسرش خواسته بود با بخشی از اموالی که به او می‌بخشد در مشهد مریضخانه‌ای راه بیندازد. البته که مرحوم حاج‌محمدحسن میرزا نصف‌الملک در زمان حیات خود نیز وقف‌هایی انجام داده و کاروانسرای تازه‌ساختی را در کنار خیابان طبرسی شمالی در آستان حرم مطهر رضوی وقف و مقرر کرد عواید آن موقوفه، صرف روضه‌خوانی در مسجد گوهرشاد، حقوق طلاب مدرسه عباسقلی‌خان، زائران فقیر، حقوق حفاظ مقبره واقف و پدرش، جعفرقلی میرزا و همچنین روشنایی و تعمیرات جزئی مسجد واقف در محلهٔ معروف به پاچنار شود. برای مریضخانه هم چند پارچه املاک خود را در مشهد و سفر عتبات زیاد می‌رفت و به امور دینی توجه ویژه‌ای داشت. منزل آن‌ها روبه‌روی چهارطریقه در خیابان ارگ بود و چون فرزندی نداشت هروقت مشغول می‌رفتیم توجه ویژه‌ای به ما داشت و با همه فامیل و نزدیکان در رابطه بود و ارتباط داشت. آنچه ما به یاد داریم شخصیت ویژه او است».

■ **به یاد و نام همسرش منتصرالملک**

منتصرالملک برای تأمین هزینه‌های بیمارستان نیز وصیت کرده بود قسمتی دیگر از املاک برای اداره و تأمین هزینه‌های بیمارستان وقف شود. رضا قلی قهرمان درباره چگونگی ساخت بیمارستان به ما می‌گوید: «رابعه خانم در سال ۱۲۹۷ خورشیدی با اجازه دکتر امیراعلم، رئیس صحیه وقت، بیمارستان منتصریه را به یاد و نام همسرش منتصرالملک در محل فعلی خیابان جنت، افتتاح کرد. البته در ابتدا قرار بر این بوده بیمارستان در قسمت جنوبی شهر ساخته شود که ظاهراً مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و محل فعلی خریداری می‌شود. بیمارستان در سال‌های اولیه بیمارستان عمومی بود. یک محوطه ساده که وسط آن ساختمان بیمارستان بود و در اطراف آن اتاق‌های اداری قرار داشت. پس از ساخت بنای بیمارستان، احترام السلطنه اداره امور آن را به برادرش اسدالله میرزا قهرمان واگذار کرد. اما در دی‌ماه ۱۳۲۷ خورشیدی که احترام‌السلطنه با

درباره واقف تنها بیمارستان پیوند عضو در شرق کشور

بانوی قهرمان

کوید اکنون بیش از ۱۰۰ سال از وقف رابعه خانم می‌گذرد، وقفی ماندگار که اکنون به‌عنوان نخستین بیمارستان متمرکز پیوند و جزو سه بیمارستان مطرح کشور در زمینه پیوند اعضا به شمار می‌رود. همچنین این بیمارستان بزرگ‌ترین مرکز دیالیز دولتی در استان خراسان رضوی است.

حدود ۸۰ سال سن درگذشت، خانواده، بیمارستان منتصریه را با املاکی که وقف آن کرده‌بود، به آستان‌قدس تحویل دادند. در شهر مشهد پس از دارالشفای آستان قدس، دومین مؤسسه درمانی وقف‌شده، بیمارستان منتصریه است. بنای قدیمی بیمارستان در یک طبقه که ۴۰ تختخواب داشت، به مرور زمان، دچار فرسودگی شد و به همین دلیل، در سال ۱۳۴۳ خورشیدی، آن را با همان نقشه اولیه بازسازی کردند. اما در زمان تولیت مرحوم واعظ طبسی تغییراتی در آن ایجاد و مهرماه ۹۱ در ۶طبقه در یک قطعه زمین به مساحت تقریباً ۳هزار و ۵۰۰ ذرع مربع (تقریباً ۳هزار و ۴۰۰ مترمربع) در حاشیه خیابان جنت ساخته شد و به شکل کنونی در آمد و به بیمارستان پیوند عضو تبدیل شد. هزینه تجدید بنای بیمارستان حدود ۱۰۰ میلیارد برآورد و از محل درآمد موقوفات پرداخت شد.

■ **تأکید واقف برای بانوان**

رابعه خانم سال ۱۳۲۷ خورشیدی فوت کرد و در صحن نو روبه‌روی مدرسه علی نقی میرزا دفن شد. بیمارستان در همین سال وقف آستان قدس رضوی شده و هشتم اسفندماه ۱۳۱۱ وقف‌نامه‌ای تنظیم و در آن به چگونگی نیت خیر و اهتمام این بانوی نیک‌اندیش اشاره می‌شود. در این وقف‌نامه آمده است: «نظر به اینکه مرحوم مغفور جنت مکان حاج محمد حسین میرزای منتصرالملک، تمامی شئون دانگ جعفرآباد، همت‌آباد، ریوند، مستغلی و قریه فتح‌آباد، واقعات در جلگه‌ورد با توابع آن‌ها را مصالحه شرعیه نموده به حلیه خودشان نواب علیه عالیه تاج‌المخدرات سرکار شاهزاده رابعه خانم احترام السلطنه، دامت خیراتها، صبیه نواب مستطاب مرحوم شاهزاده محمد میرزا، طاب ثراه، موافق مصالحه خط معتبر و در آن مصالحه شرط کرده بودند که متصالحه محترمه از عین‌المال خودشان در هر نقطه از شهر مشهد که صلاح بدانند، مریضخانه تأسیس نمایند و معادل مخارج ساختمان و اثاثیه مریضخانه از کل عین‌الصلح وضع کرده، آنچه باقی می‌ماند از اعیان مرقومه برای مصارف و مخارج جاریه شادمهر، تأمین هزینه بازسازی عتبات، وقف روضه سیدالشهداء(ع) در نیمه اول محرم در جنت‌آباد مه‌ولات، تأمین جهیزیه و کمک به محصلان و دانشجویان نیازمند را در پرونده وقفی خود دارند.

از حدی به منزل میرمختار خریداری نموده و از بقیه قیمت فروش مستغلی و فتح‌آباد و ریوند مریضخانه ساختند. از سنه هزار و دویست و نودوهفت مریضخانه مزبوره دایر و عایدات بقیه اعیان صلح به مصرف مریضخانه می‌رسد، فعلی هذا در این تاریخ وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد اسلامی نمودند، سرکار اسوه المستورات شاهزاده رابعه خانم دامت خدراته»

ناظر این موقوفات درباره وقف‌نامه و نیز نیت واقف می‌گوید: «نیت بر این بود هزینه‌های بیمارستان برای بیمار مجانی باشد. البته عمده‌ام باید احترام‌السلطنه تأکیدی برای هزینه موقوفات برای بانوان هم داشته که در هزینه‌های بیماران خانم این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد البته به‌طور کلی تلاش ما این است از محل درآمدهای موقوفه، هزینه‌های بیماران این بیمارستان را که الان هزینه‌ای حداقلی است به صفر برسانیم تا با خیال راحت از خدمات بیمارستان و دیالیز آن استفاده کنند. برای این کار در عمران دهات وقفی هم باید تلاش بیشتری شود. و همچنین سرمایه‌ای را برای تأمین هزینه زندگی بچه‌های یتیم وقفی کرده که از محل سهم زمین‌ها و ملک سرقالن است که از ۱۲ سهم خود هفت سهم را وقف بر این کار کرده است».

■ **خاندانی واقف**

اکنون بیش از ۱۰۰ سال از وقف رابعه خانم می‌گذرد، وقفی ماندگار که اکنون به‌عنوان نخستین بیمارستان متمرکز پیوند و جزو سه بیمارستان مطرح کشور در زمینه پیوند اعضا به شمار می‌رود. همچنین این بیمارستان بزرگ‌ترین مرکز دیالیز دولتی در استان خراسان رضوی است. این است که تاریخ شروع میهمانی شما را روی تقویم علامت گذاشته‌ام و هر روز یک تک پا هم که شده تا مجلس شما می‌آیم. همین تک پا هم برای هفت پشتم بس است.

کافی است پایم به سنگ صحنتان برسد و چشمم به نور چلچراغ‌ها بیفتد. دیوار را که مسح می‌کنم و دست که به صورتم می‌کشم، انگار خدا به رویم لبخند می‌زند؛ دلم سبک می‌شود و دنیایم روشن.

همین هم برای هفت پشتم بس است

عکس: احمد حسنی

عکس نوشته

فاطمه عامل نیک |

سلام آقا! من هیچ‌وقت میهمانی‌های شلوغ را دوست نداشتم؛ از اینها که واردش می‌شوی صدا به صدا نمی‌رسد، هیچ‌کس را هم درست نمی‌شناسی و آشنا هم که ببینی سرش گرم شوخی و خنده است و برای تو وقت ندارد. یک جا هم نیست که با خیال راحت بنشینی و با میزبان دو کلمه حرف بزنی.

این است که من تو عمرم به اندازه انگشتان یک دست هم میهمانی بزرگ نرفته‌ام. منتها میهمانی شما با همه میهمانی‌های دنیا توفیر دارد.

به قول مادرم فرقش از زمین تا آسمان است. این است که تاریخ شروع میهمانی شما را روی تقویم علامت گذاشته‌ام و هر روز یک تک پا هم که شده تا مجلس شما می‌آیم. همین تک پا هم برای هفت پشتم بس است.

شیخ صدوق در عیون اخبارالرضا(ع) از محول سیستانی نقل می‌کند: چون قاصد مأمون برای احضار حضرت رضا(ع) از خراسان به مدینه وارد شد، من در مدینه حضور داشتم. حضرت برای وداع با مرقد مطهر رسول اکرم(ص) وارد آستانه مقدس شد. چندین مرتبه به مرقد آن حضرت(ص) شد و وداع کرد و سپس بازگشت و هر بار که نزدیک ضریح می‌آمد با صدایی بلند می‌گریست، من به حضور آن حضرت شرفیاب شدم، سلام کردم و به خاطر این که مأمون ایشان را به خراسان دعوت کرده بود، به خصوصشان تهنیت گفتم. آن حضرت فرمود: من را واگذارید، همانا از جوار جدبزرگوارم بیرون می‌روم و در غربت رحلت می‌کنم و در کنار قبر هارون دفن خواهم شد.

دومین اقدام امام رضا(ع) در این راستا، تعیین جانشین و پیشوای شیعیان بود. حضرت(ع) هنگام وداع با جدش، حضرت جواد(ع) را با خود به مسجد النبی برد و در حالی که کودک چند ساله‌اش را در آغوش گرفته بود خطاب به مرقد رسول الله(ص) گفت: ای رسول خدا، من او را به شما سپردم. حضرت جواد(ع) عرض کرد: ای پدر، به خدا قسم که به جانب خدا می‌روی.

اینجا بود که حضرت رضا(ع) به تمامی وکلا و اصحاب خود فرمود: سخنان او را گوش کرده و امر او را اطاعت و ترک مخالفت وی کنید.

همچنین نزد اصحاب مورد اطمینانش، بر امامت فرزندش تصریح کرد و به آن‌ها شناساند حضرت جواد‌الائمه(ع) جانشین و قائم مقام او است.

سومین اقدام حضرت که جنبه عمومی‌تری نیز داشت، وداع با اهل بیت در آستانه خارج شدن از خانه و مقصد مرو بود. پیش از خروج از مدینه و آغاز هجرت، حضرت(ع) دستور داد اهل بیت و خانه‌دانش گرد ایشان جمع شوند و آنگاه فرمود: بر من بگرید تا صدای شما را بشنوم.

مشخص است این گریه برای ماهیتی رمزگونه و سیاسی دارد، چراکه گریه کردن بر مصائبی که به سفر مرو و امری غیرمتعارف است، اما اینکه امام(ع) چنین دستوری می‌دهد، قصد دارد به اهل بیت خود بگوید من دیگر از این سفر بازنخواهم گشت.

امام رضا(ع) برای افشای ماهیت ولایتعهدی چه اقداماتی در مدینه انجام دادند؟

از گریه روشنگرانه تا تصریح بر امامت جوادالائمه(ع)

پارسا نیکوکار | مأمون برای انتقال امام رضا(ع) از مدینه به مرو، مسیری حساب شده انتخاب کرده بود تا عبور امام(ع) در این مسیر با کمترین مانعی روبه‌رو شود. این مسیر همان طور که در یادداشت پیشین و مبتنی بر پژوهش دکتر جلیل عرفان‌منش در کتاب «هنگام با امام رضا(ع) از مدینه تا مرو» اشاره کردیم به خوبی خود ماهیت طراحی مأمون برای مسئله ولایتعهدی را نشان می‌داد. با وجود این، این طور نبود که امام علی بن موسی‌الرضا(ع) دست روی دست بگذارند و حرکت فعالانه‌ای برای افشای ماهیت قصد و نیت مأمون از پیشنهاد ولایتعهدی انجام ندهند.

هرچند مأمون تأکید داشت در مسیر مدینه تا مرو، امام را از شهرهایی که پایگاه علویان و مرکز تجمع شیعیان به حساب می‌آمد عبور ندهد تا پیام امام(ع) به گوش مردم نرسد و ماهیت پیشنهاد ولایتعهدی مکتوم بماند، اما این امام بود که حتی پیش از اینکه پا در مسیر پررنج و زحمت هجرت بگذارد، از همان مبدأ با اقداماتی ماهیت کار خلیفه عباسی را افشا کرد. این اقدامات حضرت(ع) در همان مدینه النبی یعنی مبدأ حرکت آغاز شد.

همان طور که می‌دانیم امام رضا(ع) تا پیش از اینکه «رجاء بن ضحاک» و «یاسر خادم» از سوی مأمون مأموریت یافتند وی را به مرو گسیل دارند، در شهر جدش رسول اکرم(ص) زندگی می‌کرد.

مردم مدینه با اینکه در دعوای قدرت میان امین و مأمون پس از مرگ هارون جانب مأمون را گرفته بودند اما چندی نگذشت که علویان در زمان خلافت مأمون بر این شهر تسلط پیدا کردند و حکومت‌های کوتاه‌مدتی را تشکیل دادند. روی همین حساب، علویان همیشه به عنوان بخشی از ساکنان فعال در این شهر حضور و نفوذ فراوانی داشتند.

به هر ترتیب دو مأمور مأمون، با نامه‌ای که حاوی پیشنهاد ولایتعهدی بود خودشان را به منزل امام(ع) در مدینه رساندند. همین که نامه به دست امام رضا(ع) رسید، حضرت با فرستادن مأمون سخنی نگفت، با کراهت نامه را خواند و به ناچار پیشنهاد مأمون را پذیرفت و آماده سفر شد.

امام(ع) چون می‌دانست خلیفه زیرک عباسی چه در سر دارد، از همان لحظه‌ای که نامه مأمون به دستش رسید، تلاش کرد ماهیت پذیرش ولایتعهدی را افشا کند.

نخستین اقدامات، وداع پرسوز و گداز حضرت با مرقد عبور امام(ع) در این مسیر با کمتر مانعی روبه‌رو شود. جدش رسول اکرم(ص) بود. شیخ صدوق در عیون اخبارالرضا(ع) از محول سیستانی نقل می‌کند: چون قاصد مأمون برای احضار حضرت رضا(ع) از خراسان به مدینه وارد شد، من در مدینه حضور داشتم. حضرت برای وداع با مرقد مطهر رسول اکرم(ص) وارد آستانه مقدس شد. چندین مرتبه به مرقد آن حضرت(ص) شد و وداع کرد و سپس بازگشت و هر بار که نزدیک ضریح می‌آمد با صدایی بلند می‌گریست، من به حضور آن حضرت شرفیاب شدم، سلام کردم و به خاطر این که مأمون ایشان را به خراسان دعوت کرده بود، به خصوصشان تهنیت گفتم. آن حضرت فرمود: من را واگذارید، همانا از جوار جد بزرگوارم بیرون می‌روم و در غربت رحلت می‌کنم و در کنار قبر هارون دفن خواهم شد.

دومین اقدام امام رضا(ع) در این راستا، تعیین جانشین و پیشوای شیعیان بود. حضرت(ع) هنگام وداع با جدش، حضرت جواد(ع) را با خود به مسجد النبی برد و در حالی که کودک چند ساله‌اش را در آغوش گرفته بود خطاب به مرقد رسول الله(ص) گفت: ای رسول خدا، من او را به شما سپردم. حضرت جواد(ع) عرض کرد: ای پدر، به خدا قسم که به جانب خدا می‌روی.

اینجا بود که حضرت رضا(ع) به تمامی وکلا و اصحاب خود فرمود: سخنان او را گوش کرده و امر او را اطاعت و ترک مخالفت وی کنید.

همچنین نزد اصحاب مورد اطمینانش، بر امامت فرزندش تصریح کرد و به آن‌ها شناساند حضرت جواد‌الائمه(ع) جانشین و قائم مقام او است.

سومین اقدام حضرت که جنبه عمومی‌تری نیز داشت، وداع با اهل بیت در آستانه خارج شدن از خانه و مقصد مرو بود. پیش از خروج از مدینه و آغاز هجرت، حضرت(ع) دستور داد اهل بیت و خانه‌دانش گرد ایشان جمع شوند و آنگاه فرمود: بر من بگرید تا صدای شما را بشنوم.

مشخص است این گریه برای ماهیتی رمزگونه و سیاسی دارد، چراکه گریه کردن بر مصائبی که به سفر مرو و امری غیرمتعارف است، اما اینکه امام(ع) چنین دستوری می‌دهد، قصد دارد به اهل بیت خود بگوید من دیگر از این سفر بازنخواهم گشت.

مسیر هجرت

امام رضا(ع) برای افشای ماهیت ولایتعهدی چه اقداماتی در مدینه انجام دادند؟

از گریه روشنگرانه تا تصریح بر امامت جوادالائمه(ع)

پارسا نیکوکار | مأمون برای انتقال امام رضا(ع) از مدینه به مرو، مسیری حساب شده انتخاب کرده بود تا عبور امام(ع) در این مسیر با کمترین مانعی روبه‌رو شود. این مسیر همان طور که در یادداشت پیشین و مبتنی بر پژوهش دکتر جلیل عرفان‌منش در کتاب «هنگام با امام رضا(ع) از مدینه تا مرو» اشاره کردیم به خوبی خود ماهیت طراحی مأمون برای مسئله ولایتعهدی را نشان می‌داد. با وجود این، این طور نبود که امام علی بن موسی‌الرضا(ع) دست روی دست بگذارند و حرکت فعالانه‌ای برای افشای ماهیت قصد و نیت مأمون از پیشنهاد ولایتعهدی انجام ندهند.

هرچند مأمون تأکید داشت در مسیر مدینه تا مرو، امام را از شهرهایی که پایگاه علویان و مرکز تجمع شیعیان به حساب می‌آمد عبور ندهد تا پیام امام(ع) به گوش مردم نرسد و ماهیت پیشنهاد ولایتعهدی مکتوم بماند، اما این امام بود که حتی پیش از اینکه پا در مسیر پررنج و زحمت هجرت بگذارد، از همان مبدأ با اقداماتی ماهیت کار خلیفه عباسی را افشا کرد. این اقدامات حضرت(ع) در همان مدینه النبی یعنی مبدأ حرکت آغاز شد.

همان طور که می‌دانیم امام رضا(ع) تا پیش از اینکه «رجاء بن ضحاک» و «یاسر خادم» از سوی مأمون مأموریت یافتند وی را به مرو گسیل دارند، در شهر جدش رسول اکرم(ص) زندگی می‌کرد.

مردم مدینه با اینکه در دعوای قدرت میان امین و مأمون پس از مرگ هارون جانب مأمون را گرفته بودند اما چندی نگذشت که علویان در زمان خلافت مأمون بر این شهر تسلط پیدا کردند و حکومت‌های کوتاه‌مدتی را تشکیل دادند. روی همین حساب، علویان همیشه به عنوان بخشی از ساکنان فعال در این شهر حضور و نفوذ فراوانی داشتند.

به هر ترتیب دو مأمور مأمون، با نامه‌ای که حاوی پیشنهاد ولایتعهدی بود خودشان را به منزل امام(ع) در مدینه رساندند. همین که نامه به دست امام رضا(ع) رسید، حضرت با فرستادن مأمون سخن